

دفاع سخیفانه حککا از جنایات صهیونیست های اسرائیلی

سرانجام علی جوادی یکی از لیدر های خالی بند " حزب کمونیست کارگری " در یک مصاحبه ژورنالیستی و تبلیغاتی به اظهار نظر در مورد تجاوزات ددمنشانه اخیر صهیونیستهای اسرائیلی به فلسطین و لبنان پرداخت .

اگر به سراپای این مصاحبه تبلیغاتی نظری بیافکنی هیچ چیز جدیدی جز همان عبارات عوامفریباً همیشگی " دو قطب " تروریسم اسلام سیاسی و تروریسم اسرائیلی " مشاهده نخواهی نمود . با توجه به این امر که دو نیروی تروریستی را مکمل هم و حاکمیت حماس در فلسطین را عاملی در " سیاستهای ارتجاعی و میلترایستی اسرائیل " می داند . و بدتر از آن بی شرمانه ولی زیرکانه تمام گناهان در تجاوزات اخیر اسرائیل به فلسطین و لبنان را به گردن " گروهانگیری ها و تعرض جریانات ارتجاعی اسلامی " (بخوانید مردم فلسطین) می اندازد . به گفته این هخای حککا توجه کنید :

" گروهانگیری ها و تعرض جریانات اسلامی صرفاً بهانه ای در دست هیات حاکمه اسرائیل برای پیاده کردن اجزاء دیگری از مجموعه سیاستی می باشد که مدتی است در دستور این دولت قرار دارد . سیاستی که محاصره اقتصادی مردم فلسطین ، دیوار کشی به دور سرزمینهای فلسطینی (توجه داشته باشید که این موضع آنان هنگامی است که محاصره اقتصادی مردم فلسطین توسط امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا و اعتراض به دیوار کشی صهیونیستها بدور مناطق فلسطین، به امری تبدیل گشته که حتی توسط برخی مجامع امپریالیستی مورد اعتراض قرار گرفته است . و حال که دیگر این " اعتراض " همگانی گشته ، از طرف حککا برای عقب نماندن از قافله ، بطور ژورنالیستی و نه اعتقادی اعلام می گردد) و به شکست کشاندن طرح صلح ارکان دیگر آن هستند . (به این پارگراف خوب توجه کنید) اگر صورت ظاهر بهانه های دولت اسرائیل را بپذیریم (منظورش این است که باید پذیرفت ؛ حمله اخیر اسرائیل ناشی از گروهانگیری و تعرض جریانات اسلامی میباشد- امری را که در پارگراف اول زبردستانه تحت عنوان " بهانه ای " ، در صورت مسئله تجاوز اخیر صهیونیست ها به مردم بی دفاع فلسطین جا سازی نموده و بقول معروف گوشی را بدست اعضا و هوادارانش سپرده است) و جنگ تمام عیاری که اکنون بر علیه مردم فلسطین و لبنان اعمال کرده را عکس العملی موجه به گروهانگیری جریانات اسلامی بدانیم (ملاحظه می کنید با چه بی شرمی و وقاحتی اولاً دولت قانونی حماس را که در یک انتخابات دمکراتیک با نظارت نمایندگان بین المللی انتخاب شد ، از مردم فلسطین جدا می کند و ثانیاً همانطوری که در بالا توضیح داده شد تمامی جنایات بربرمنشانه صهیونیستهای اسرائیلی که در آن تمامی زیر بنای فلسطینیان به آتش و خاکستر کشیده شد ، بعنوان عکس العملی موجه در مقابل گروهانگیری جریانات اسلامی جا می زند . جداً وقاحت و بیشرمی هم حدی دارد !!!) در آن صورت طرف مقابل هم محق است که جامعه اسرائیل را هر روزه بمباران (در اینجا هم می خواهد با یک قیاس نادرست اولاً دفاع مشروع فلسطین از سرزمین اشغالی اش را یک جنگ تلافی جویانه بخورد مردم دهند و ثانیاً قدرت دفاعی فلسطین که در مقیاس قدرت نظامی اسرائیل بمثابه " فیل و فنجان " است هم برابر نشان دهند و ثالثاً دفاع ناگزیر فلسطینیان برای بقای خویش که هرازگاهی انجام می گردد را تردستانه " بمباران هر روزه " در اذهان قالب کند) کند . "

(تمامی تاکیدات و توضیحات داخل پرانتز از ادیب می باشد)
و بدین ترتیب حکم دفاع " مشروع " برای مردم فلسطین و لبنان از طرف سوگلی آمریکا و اسرائیل صادر می گردد . ولی باید توجه داشت که همین دفاع " مشروع " هم از طرف این جریان زبردست بعنوان عملیاتی " تروریستی " محسوب می گردد که از طرف قطب " تروریسم آدمکشان اسلام سیاسی " بکار می رود .

انسان وقتی سراسر اطلاعاتیه و مقالات این جریان را می خواند در عجب می ماند از این همه بزدلی در بیان شفاف نظرات و این همه " تردستی " حسابگرانه در دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی .

این سخنان عوامفربانه و جانبدارانه جوادی و دیگر کادرهای حککا در حالی است که صهیونیستهای اسرائیلی پیش از اسیر گشتن یک سربازش از دیر باز به عملیات جنایتکارانه خویش علیه خلق فلسطین مشغول بوده است (از زمان اشغال تا کنون- بیش از 40 سال) .

هر انسان با وجدان و بشر دوستی به آسانی می تواند با نظری تحقیق گرایانه پیرامون حوادث شش ماهه اخیر دریابد که در این ماجرای مشخص ، دستتان تروریسم ددمنشانه دولت صهیونیستی اسرائیل با هزاران دلیل بمتابه مسبب اصلی بحران کنونی هویدا می باشد .

باید بخاطر آورد ، بعد از انتخابات پارلمان فلسطین که در ماه ژانویه انجام شد و به گواهی تمام ناظران بین المللی آنرا یک انتخابات آزاد دانستند ، این دولت صهیونیستی اسرائیل بود که نه تنها نتیجه انتخابات را نپذیرفت بلکه بر اساس ماهیت نژاد پرستانه و ضد بشری اش تصمیم گرفت پروژه نسل کشی فلسطینیان را از طریق گرسنگی دادن به اتمام برساند و در این امر جنایتکارانه علیه بشریت از حمایت کامل آمریکا (رژیم صهیونیستی اسرائیل بازوی نظامی آمریکا در منطقه است) و اتحادیه اروپا برخوردار بود که بهر طریق ممکن دولت فلسطین را درهم بکوبد (امپریالیسم جهانخواار آمریکا رسماً اعلام کرده است در اسرع وقت بمب های هدایت شونده "هوشمند" در اختیار رژیم صهیونیستی قرار خواهد داد- قرار داده شد) . امری که می باید طبق منطق ضد بشری صهیونیستها به تضعیف دولت حماس تبدیل گردد ولی به تقویت آن منجر شد .

در 21 ژوئن 2006 ، بر اساس گزارش " دفتر هم آهنگی امور انسان دوستانه " سازمان ملل ؛ * این ارتش اشغالگر صهیونیستهای اسرائیل بود که در شش ماهه اول سال جاری بیش از هزاران بار با شلیک توپ و موشک نوار غزه را بخاک و خون کشید- دهها نفر که بیشتر آنانرا کودکان تشکیل می دادند قتل عام و مجروح نمود و این عمل ددمنشانه در سانسور کامل خبری انجام گردید .

* این رژیم نژاد پرست ، اشغالگر و جنایتکار اسرائیل بود که از اول سال جاری تا پایان ژوئن ، تنها راه انتقال وسایل ضروری زندگی ابتدائی از جمله مواد غذایی به نوار غزه را به مدت بیش از 60 روز بسبب فاشیستهای هیتلری مسدود نمود . این عمل بغایت ضد بشری در حالی انجام گرفت که قبل از مسدود شده این منطقه ، غزه از کمبود نان و برنج و دارو های حیاتی در مصیقه کامل قرار داشت .

* این ابتدا قوای آدمکشان اسرائیل بودند که در استمرار اعمال جنایتکارانه 40 ساله شان دو فلسطینی را از غزه ربودند .

آری در مقابل دریایی از جنایتکاری صهیونیستهای اسرائیلی بود که فلسطین جهت دفاع از بود و نبودش- جهت بیرون آمدن از جهنمی که صهیونیستها برایشان بوجود آورده بودند با یک عملیات اعجاب انگیز (با حفر تونلی به عمق صد متر و طول چند کیلومتر) در قلب قرارگاه دشمن چندین فروند از تانک های ارتش اسرائیل را منهدم و یک سرباز اسرائیلی را دستگیر و به پایگاه بازگشتند . بعد از این عملیات رهایی بخش که بمنظور بقا بکار رفت ، قوای اشغالگر صهیونیستی طبق برنامه از قبل مهیا شده (نابودی فلسطینیان و ختم قانله فلسطین) ، اسیر شدن یک سرباز خویش را بهانه قرار داد و در اختفای کامل درز خبر ، حملات بربرمنشانه خویش را از زمین ، دریا و آسمان آغاز نمود . این جانور درنده خوی دست پرورده امپریالیسم آمریکا ابتدا تمامی راه های ارتباطی را با بمباران های وحشیانه بطور کامل قطع نمود- تعدادی از وزرای دولت منتخب فلسطین را به اسارت خویش درآورد- تنها نیروگاه نوار غزه را با جنگنده های خویش بمباران کرد و آنرا از کار انداخت . امر جنایتکارانه ای که زندگی دشوار و غیر قابل تحمیلی را با توجه به گرمای هوا برای فلسطینیان رقم زد- کار بیمارستانها را کاملاً مختل نمود- نگهداری مواد غذایی (اگر یافت می شد) در اکثر خانه ها (اگر باقی بود) را ناممکن گرداند- و با بمباران کردن سازمان تصفیه آب

آشامیدنی ، زندگی را بمعنی واقعی برای فلسطینیان به جهمی سوزان تبدیل نمود . تا کنون بیش از 500 کشته ، بیش از 1500 تن مجروح و بیش از 600 هزار نفر آواره و بی خانمان حاصل این ددمنشی قوای اشغالگر صهیونیستی می باشد .

در واقع در بستر چنین جنایات مافوق ضد بشری توسط صهیونیستهای اسرائیلی است که باید با تحلیل شرافتمندانه و انسانی از وقایع جنگ کنونی به قضاوت نشست و حکم صادر نمود و نه بی شرمانه چون حککا تقصیرها را در قالب " آدمکشان اسلامی " به گردن فلسطینیان انداخت و سپس به تحلیل وقایع پرداخت .

همین نظرات بی شرمانه را هم می توان در اطلاعیه اخیر حککا پیرامون وقایع فلسطین و لبنان مشاهده کرد . در بخشی از آن چنین می گویند :

" حزب کمونیست کارگری این جنگ تروریستی و اهداف ارتجاعی (توجه کنید مبارزات مردم فلسطین و لبنان در دفاع از هستی شان در لوای "جنگ تروریستی" محکوم اعلام می گردد) آنرا قویاً محکوم می کند . قریبانیان این جنگ مردم بیگناه اند که کوچکترین نفعی در پیروزی یا شکست هر کدام از طرفین درگیر ندارند . "

(نقل از اطلاعیه اخیر حزب کمونیست کارگری- تکیه و توضیحات داخل پرانتز از ادیب)

جداً ، آیا واقعاً پیروزی فلسطین (بخوان حماس) در جنگ تجاوزگرانه علیه صهیونیستهای اسرائیلی برای مردم فلسطین کوچکترین نفعی ندارد؟! آیا این پیروزی فلسطینیان بر قوای متجاوز اسرائیل حداقل باعث رهایی مردم فلسطین از جهنم بی غذایی- بی دارویی- بی برقی- بی آبی- بی خانمانی و آرامش روحی در غیاب صدای مهیب بمباران ها ، موشک ها ، گلوله های توپ و .. نخواهد بود؟! آیا پیروزی مردم فلسطین حداقل باعث آرامش خاطر بخشی از مردم بی گناه اسرائیل که در اضطراب و نگرانی ناشی از غرش موشکها خانه و کاشانه خویش را ترک کرده اند نمی باشد؟!

جداً باید کر و کور بود و یا در کره دیگری چون مریخ زندگی کرد که چنین بی شرمانه و وقیحانه سرنوشت میلیونها انسانهای تحت ستم را نادیده گرفت و بی وجدانه و ضد بشرانه چنین بی خردانه نظر داد . مرگ بر جیره و مواجب پست فطرتانه امپریالیستها و صهیونیستهای اسرائیلی که شماها (حککا) را این چنین سیه دل کرده است که قادرید به راحتی سرکشیدن یک لیوان آب هویج با نادیده گرفتن سرنوشت میلیونها انسانهای تحت ستم در فلسطین و لبنان (**دیگر از افغانستان- عراق- یوگسلاوی سخن نمی گویم**) بدفاع بغایت ضد انسانی از منافع امپریالیسم آمریکا این مخوف ترین و بزرگترین دشمن بشری و صهیونیستهای ابر جنایتکار اسرائیل دست بزنید . مرگ و نفرت ابدی بر جبین اجنبی پرستان سیه دل !!! حککا در ادامه اطلاعیه چنین می گوید :

" بمباران و کشتار مردم بیگناه در لبنان و فلسطین باید فوراً متوقف شود . تجاوزگری های دولت اسرائیل باید صریحاً محکوم شود (همانطوری که تاکنون 69 بار تجاوزاتش محکوم گشته ولی هر بار با وتو آمریکا به جنایتکاری خود ادامه داده است و این بار هم ادامه خواهد داد) و دولت اسرائیل برای توقف فوری جنگ (توجه کنید سخن از آتش بس میکند و نه توقف جنایات صهیونیستها که ناشی از ماهیت تجاوزکارانه و نژاد پرستانه دولت فاشیستی مذهبی اسرائیل می باشد) تحت فشار بین المللی (همان فشارهای بی بو و خاصیت نوشته شده بر کاغذ صبور و نه تحریم های بین المللی " کارساز " که قادر گردد این غده سرطانی را چون رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی از پای درآورد) قرار بگیرد ... جریانات اسلامی تروریست در منطقه باید خلع سلاح و منزوی شوند . "

(نقل قول از همان منبع- تکیه ها و تمام توضیحات داخل پرانتز از ادیب می باشد)

بدین عبارت آخر نقل قول توجه کنید ! **" جریانات اسلامی تروریست در منطقه باید خلع سلاح و منزوی شوند "** و نه دولت متجاوز- نژاد پرست- جنایتکار و فاشیستی مذهبی اسرائیل . در واقع در

پس این کلمات جانبدارانه به روشنی می توان به جوهر کلام و " زبان " رمز گویانه این جریان ناسالم و بغایت منحرف که در لوای "**خلع سلاح جریانات اسلامی تروریست**" نابودی مردم فلسطین و لبنان را فتوا می دهد ، پی برد .

ملاحظه می گردد که این حضرات خواهان بقای رژیم صهیونیستی اسرائیل هستند ، چراکه این "**خلع سلاح**" را فقط برای تروریست های اسلامی خواهانند و نه برای هر دو قطب " تروریستی " که دائما بی ربط از آن عوامفریبا دم می زنند . این کودن های سیاسی فراموش میکنند که در همین اطلاعیه ، با گفتن : "**این جنگ پرده ای دیگر از رویارویی دو اردوی تروریسم بین المللی است**" ، حداقل می باید برای باور دیگران، برای خالی نبودن عریضه هم که شده "**خلع سلاح**" را برای هر دو قطب خواهان باشند و نه فقط برای یک قطب . (این در حالی است که تروریسم دولت اسرائیل را "**بعنوان نماینده و پرچمدار اردوی تروریسم دولتی غرب در منطقه**" می دانند) . حال چرا نباید خواهان "**خلع سلاح**" این نماینده و پرچمدار اردوی تروریسم دولتی غرب (ششمین ارتش مخوف و قدرتمند جهان که صدها بمب اتمی-خوشه ای- فسفری و سلاحهای مرگبار کشتار جمعی را در زراد خانه خویش انبار کرده است- و تعدادی از آنها را در همین تجاوز اخیر بکار برد) شد ، پرسشی است که باید پاسخش را در دلارهای آمریکائی- اسرائیلی دریافتی جستجوی نمود .

شعار "**خلع سلاح**" جریانات اسلامی تروریست (بخوان جنبش فلسطین) در منطقه ، آن نغمه شومی است که از حلقوم وزرای خارجه دول امپریالیستی آمریکا- انگلیس- فرانسه و .. بیرون می آید که حل مسئله فلسطین را در گرو نابودی کامل جنبش فلسطین می دانند . و این راه حل " متمذنانه " را نماینده انحصارات امپریالیستی آمریکا خانم رایس وقتی که می گوید : "**آتش بس تا زمانی که طبق نقشه جدید خاورمیانه بزرگ انجام نگیرد ، مفهوم ندارد**" ، بروشنی برملا کننده ماهیت سیاست جنایتکارانه دول امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا در تجاوز اخیر صهیونیستهای اسرائیلی به فلسطین اشغالی و لبنان می باشد .

روشن است طرح "**خاور میانه بزرگ**" بمعنی حضور هر چه گسترده تر امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه- تسلط هر چه بیشتر بر چاههای نفت و گاز در راستای هدف سلطه طلبانه اش بر جهان می باشد . "**خاور میانه بزرگ**" یعنی هژمونی بدون چون و چرا انحصارات- کارتل ها- تراست های امپریالیستی آمریکائی بر جهان . یعنی دیکته احکام و قوانین غارتگرانه غول آسازترین کمپانی های سرمایه داری انحصاری آمریکائی که توسط اهرمهای اقتصادی و سیاسی چون ؛ سازمان تجارت جهانی ، بانک جهانی ، صندوق بین المللی ، سازمان ملل متحد ، و .. بر میلیاردها بشریت تحت ستم .

در واقع "**خاور میانه بزرگ**" آن حلقه زنجیری است که با در دست داشتن آن می توان بر سرمایه داری انحصاری امپریالیستی اروپا و سپس بر تمامی جهان فرمانروائی نمود . و این آن هدف شوم استثمارگرانه ای است که شرکت های عظیم سرمایه داری انحصاری آمریکائی بخاطر اش به افغانستان- یوگسلاوی- عراق- فلسطین- لبنان و ... تجاوز می کنند ، با لشکر کشی های بربرمنشانه- با بمب های خوشه ای- 9 تی- ناپالم- فسفری- صدها هزار تن از مردمان بیگناه این مناطق را بخاک و خون می کشند ، صدها هزار تن را مجروح و معلول می گردانند- مراکز صنعتی ، تجاری ، درمانی ، خدماتی ، مسکونی ، پل ها ، جادههای ارتباطی و در یک کلام هستی این کشورها را به تلی از آتش و آهن و خاک تبدیل می کنند . بعداز فرستادن این کشورها به عصر حجر ؛ کمپانی های غول آسای سرمایه داری انحصاری را ، تحت عنوان بازسازی جهت غارت این ممالک چون کرگسان لاشخور و وحشی به این دیار مخروبه شده گسیل می دارند و نام این پست فطرتانه ترین و وحشیانه ترین نوع زندگی را ، شیوه زندگی " متمذنانه " می نامند . جداً این همه همدلی و هم صدائی "**حزب کمونیست کارگری**" با درندخویان دول امپریالیستی را چگونه می توان توجیگر بود .

به نظرات اخیر حمید تقوایی " لیدر " اعظم پیرامون حمله احتمالی آمریکا به ایران و یا به نظر مصطفی صابر سردبیر نشریه " جوانان کمونیست " این جریان ، تحت عنوان " جبهه سوم " نظری افکنید . همه جا علیرغم جار و جنجال این حضرات در مبارزه علیه دو قطب " تروریستی آمریکا و اسلام سیاسی " با تعجب شاهد دفاع آنان (حککا) از امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی علیه " اسلام سیاسی " خواهید بود . در واقع منظور این حضرات از " جبهه سوم " که مزورانه ایده آنرا از ناصر زرافشان بعاریه گرفته اند اما برخلاف مضمون " جبهه سوم " زرافشان که دارای مفهوم عمیقاً انقلابی است ، انتلاف جبهه سوم با جبهه دوم (آمریکا) علیه جبهه اول (اسلام سیاسی) را معنی می دهد . باور ندارید به نقل قولی از گفته های مصطفی صابر گوش فرا می دهیم :

" آمریکا و متحدینش ... نباید سرنوشت مردم عراق را بدست اسلامیها و جانورهای قلاده شده توسط جمهوری اسلامی و عربستان سعودی و غیره ، بدست انواع مرتجین ناسیونالیست رها " کنند .

سخن ایشان کاملاً روشن است ؛ امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا به تعبیر حککا تا موقعی که دخل جانوران قلاده شده " اسلام سیاسی " را در نیآورده اند ، حق خارج شدن از عراق را ندارند . قتل عام بیش از 200 هزار نفر- نابودی تمامی زیر بنای های اقتصادی ، مسکونی ، تجاری ، خدماتی ، فرهنگی و ... کافی نیست باید بیش از این ها کشت و ویران نمود . به تعبیر این در یوزگان ؛ خلق عراق حق ندارد پپاخیزد و دشمن اشغالگر را از کشور خویش بیرون کند- دشمن اصلی مردم عراق که مسبب چنین وضعی شده اند ، نیروهای اشغالگر خارجی که روزانه نفت عراق را مجانی غارت می کنند نیستند .

همین نوع استدلال را هم در زمان تجاوز و اشغال ایران توسط امپریالیسم آمریکا تحت لوای " جریانات آدمکش اسلامی " بکار خواهند برد . و خواهان ماندگار شدن امپریالیسم متجاوز و غارتگر آمریکا در ایران می شوند .

در واقع تنوری های مشعشانه و من درآوردی بی اساس دو قطب " تروریسم بین المللی و اسلام سیاسی " و " سناریو سفید و سیاه " در خدمت ایفای نقش حککا بمثابه ستون پنجم در عراق و در وقایع افغانستان و فلسطین ، به نفع امپریالیسم و صهیونیسم ساخته شده و عمل میکند .

در میان انبوحی از گفته های ژورنالیستی و تبلیغاتی کادرهای ریز و درشت این جریان گذشته از خزعبلاتشان می توان به عبارت دو " قطب تروریستی بین المللی و اسلام سیاسی " که چون نگین انگشتی خود نمائی می کند نظر داشت .

این حضرات از مبارزه علیه دو قطب بسیار سخن می رانند و سعی می کنند خود را پرچمدار مبارزه علیه این دو قطب وانمود گردانند . این تلاش مذبوحانه در حالی است علیرغم این که دولت تروریستی آمریکا و اسرائیل را در مقابل قطب " اسلام سیاسی " قرار داده و آنان را یکی از علت های اصلی کانون جنگ و جنایت و تروریسم می دانند ، و بشریت " متمدن " را بمبارزه علیه آنان فرا می خوانند . ولی در جای دیگر از قضا در بخشی که ستون فقرات نظرات پایه ای حککا را تشکیل می دهد یعنی تنوری " سناریو سفید و سیاه " رهبر کبیرشان منصور حکمت ، علیه " تز " دو قطب سخن می گویند و یکباره بر اساس این تنوری مرکزی حزبشان فتوا می دهند که **نیروهای بورژوازی امپریالیستی از جمله امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی (که آنها را دولت های دمکراتیک- مترقی- متمدن می دانند)** بمثابه نمایندگان حراست از " شالوده جامعه مدنی " که در جبهه " سفید " جاسازی شده اند باید همراه با بشریت " متمدن " علیه جبهه " سیاه " صف آرانی کنند .

بیچاره خوانندگان روزی نامه این " حزب " ، سر درگم و گیج نمی دانند بلاخره چه باید کرد . آیا باید بر اساس تز دو قطب " تروریسم بین المللی و اسلام سیاسی " بر علیه دولت تروریستی آمریکائی- اسرائیلی بمثابه کانون های جنگ و جنایت بمبارزه پرداخت و یا این که بر اساس تنوری

" سناریو سفید و سیاه " که دولت های تروریستی آمریکا و اسرائیل را حافظان " شالوده جامعه مدنی " می داند ، همراه با بشریت متمدن در کنار دولت های تروریستی در یک جبهه قرار گرفت و علیه قطب دیگر یعنی " اسلام سیاسی " بمبارزه پرداخت؟! بلاخره برای خوانندگان این جریان مشخص نمی گردد که این دولت های دمکراتیک آمریکائی- اسرائیلی در کجا قرار دارند . آیا بر اساس تز دو قطب " تروریسم بین المللی " باید آنان را در جبهه " سیاه " دانست و علیه شان به مبارزه پرداخت؟! و یا این که بر اساس تنوری " سناریو سفید و سیاه " آنان را در جبهه " سفید " دانست و همراهشان در یک صف قرار گرفت؟! البته پر واضح است علیرغم تناقض در شکل ظاهری دو " تز " ولی مفهوم هر دو یکی است و آن دفاع بی قید شرط از منافع امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی می باشد . در واقع این همه تناقض گویی و آشفته فکری طراحان این " تنوری " های غیر طبقاتی و من درآوردی بخاطر این است که با ایجاد سردرگمی در میان " جنبش چپ " از تشکیل جبهه ی بین المللی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی جلوگیری بعمل آورند تا دولتهای نماینده انحصارات غارتگر آمریکائی- صهیونیستی بتوانند در لوای دولت های " دمکراتیک ، متمدن ، مترقی " با طیب خاطر دنیا را چپاول کنند .

در پایان مقاله اش آقای جوادی راه حل بحران خاورمیانه را چنین ارائه می دهد :

" کلید حل مساله در دست بشریت متمدن است "

جوهر کلام ایشان از بشریت متمدن ، امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکاست که با کمک های مالی و نظامی علناً و رسماً به صهیونیستها اجازه میدهد تا یک هفته دیگر هر جنایتی که از دستشان بر میآید علیه خلق فلسطین و لبنان انجام دهد- اجازه می دهد (**با توجه به توان نظامی صهیونیستها**) حساب کار فلسطینیان و لبنانیها را با دریائی از جنایتکاری به اتمام برساند . بشریت " متمدن " به تعبیر حککا ، مجامع بین المللی هستند که با سکوت خویش بر این نسل کشی مهر تائید می زنند- بشریت متمدن دول عربی هستند که بعلت وابستگی و یا ترس از هیبت هیولای جهانخوار امپریالیسم آمریکا در مقابل این همه جنایت علیه بشریت سکوت قبرستان را برگزیده اند . بشریت متمدن 8 کشور صنعتی قدرتمندی هستند که در مقابل این تجاوزات ددمنشانه از قربانی می خواهند با پس دادن چند سرباز اسیر اسرائیلی مانع از ادامه جنگ و ویرانی گردند.

جالب این جاست که آقای جوادی که حککا را بزرگترین نیروی سیاسی بشریت متمدن می داند معلوم نیست به چه دلیلی وارد عمل نمی گردد تا بلکه جلوی این جنگ ویرانگر و خانمانسوز را بگیرد- معلوم نیست به چه دلیل این نیروی قدرتمند جهانی فقط شعار می دهد ولی عمل نمی کند .

نتیجه :

سازمانها و افرادی که نا آگاهانه- نسنجیده و خجولانه به نوعی از نظرات سیاسی و تشکیلاتی این جریان دفاع می کنند و آنرا در صف اپوزیسیون انقلابی تلقی می نمایند ، سخت در اشتباهند و در تناقض کامل با " نقد " گذشته خویش پیرامون نظرات سیاسی و تشکیلاتی این " حزب " قرار می گیرند .

کسانی که از قدرت تشکیلاتی این جریان مدهوش گشته و تعداد سایت های آنان را (که حساب از دستشان در رفته) ناشی از پشتکاری و فداکاری اعضاء و هواداران این جریان که از بانکها پول قرض کرده تلقی می نمایند ، فراموش می کنند که این جریان نطفه تولدش توسط پدر کورش مدرسی (سرهنگ مدرسی) که از مشاوران رژیم ننگین پهلوی بود و با سازمان " موساد " اسرائیل در ارتباط قرار داشت ، بسته شد . از آن هنگام به بعد بود که سیل کمکهای مالی- فنی و خدماتی از طرف صهیونیستهای اسرائیلی و امپریالیستهای آمریکایی به حککا سرازیر گردید . در بستر این کمکها بود که حقوق ماهانه برای اعضاء تعیین گردید که از بام تا شام با طیب آسوده و بدون دغدغه مالی به مطالعه آثار منصور حکمت بپردازند . بدین ترتیب بود که این جریان توانست

از قبل این کمکهای مالی- فنی و خدماتی صهیونیستهای اسرائیلی کادرهایی که هم اکنون با عکس شش در چهار آدین بخش سایت های بی شمارش است ، مقالات آنچنانی در دفاع مذبحخانه و زبردستانه از منافع امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی به نگارش درآوردند . جار و جنجال به پا کنند و خود را بدروغ بزرگترین نیروی " سیاسی " نه تنها ایران بلکه جهان معرفی گردانند . آری راز نهفته سایت های بی شمار و مقالات متعدد حککا نه ناشی از کمکهای مالی اعضاء و هواداران بلکه از صدقه سر جهنمی ترین و مخوف ترین سازمانهای ضد بشری "سیا" و " موساد " می باشد . بی دلیل نیست که " کمپین جمع آوری کمک مالی " برپا میکنند تا با کمکهای جمع آوری شده " یک میلیون دلاری " ، زشتی دریافت کمکهای صهیونیستی-آمریکائی را بپوشانند .

دلیل نظرات مشعشانه کج و معوج و ضد مارکسیستی لنینیستی این جریان پیرامون رخدادهای ایران و جهان را باید در گرو همین وابستگی مالی دانست . چراکه امپریالیستها و صهیونیستها بی حساب و کتاب و در راه خدا به جریان و یا افراد کمک مالی نمیکند . آنان(امپریالیستها) مامور می خواهند و معزور که با زبان " جنبش چپ " منافع آنان را حامی باشند . قرار داد تاریخی 1028 دریافت مالی از کشورهای بجز دولت های اسلامی را باید در همین وابستگی مالی دانست . در ضمن مخالفت هیستریک ضد " اسلام سیاسی " را هم باید در بستر همین دریافت کمکهای مالی از کشورهای غیر اسلامی معنی کرد . و اگر نه ، مبارزه علیه مذهب بعنوان افیون بشری باید علیه تمامی مذاهب از جمله مذهب یهودیت بکار رود و نه فقط علیه مذهب اسلام .

اگر نتوان در پس تعداد بی شمار سایت ها و مقالات متعدد به نگارش درآمده حککا ، کمکهای صهیونیستها اسرائیلی- آمریکائی را مشاهده کرد ، قادر نخواهیم بود دستهای آشکار و نهان تروریسم دولتی صهیونیستی و قوای اشغالگر را در پشت عملیات ددمنشانه تروریستی بمب گذاری در معاور عمومی که توسط شبکه عظیم جنایتکارانه اختاپوسی " موساد " ، " سیا " ، " اینتری جنت سرویس " و .. هر روزه در عراق ایفای نقش می کنند را دید و چون آنان به دروغ این عملیات بغایت وحشیانه و ضد بشری را به گروههای شیعه و سنی منتصب گرداند . گرچه این جنایات تروریستی بزدلانه می تواند توسط افراد شیعه و یا سنی انجام پذیرد . چراکه اولاً در شرایط و انفسای عراق کنونی بخدمت درآوردن چنین افراد پست و فرومایه نمی تواند کار مشکلی باشد . و در ثانی قدرت شبکه های جهنمی جاسوسی و آدمکشی صهیونیستها و قوای اشغالگر به برکت اشغال نظامی عراق بقدری است که تصور آن خارج از ذهن هر انسان عادی می باشد . برای نمونه طبق تحقیقات انجام شده ؛ بخش گسترده عملیات تروریستی که توسط ماشین های بمب گذاری شده تحت نام " عملیات انتحاری " در معاور عمومی انجام می گیرد ، از ماشین های افراد عادی و تاکسی استفاده می گردد که صاحبان و یا رانندگان آن بطور کلی روحشان از جاسازی بمب در ماشین هایشان توسط ماموران جاسوس قوای اشغالگر ، در تعمیرگاهها عمومی کاملاً بی خبر می باشند .

کلام آخر ؛ برای دفاع شرافتمندانه-انسانی و راستین از مبارزات مردم فلسطین و لبنان می باید قاطعانه همراه با افشای سیاست های ددمنشانه امپریالیستی- صهیونیستی ماهیت ضد انقلابی ایادی ریز و درشت ایرانی این مشاطه گران را بی مهابا بر ملا نمود .

بهمن ادیب 20 / 07 / 2006